

۶۹ - با اینکه ظهور انسان در این کره حادث است با نظریتمام کرات غیرمتناهی همیشه در عالم بوده

و نیز از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزیز: "نوع انسان لازم الوجود است بدون انسان کمالات ربوبیت جلوه ننماید ... انسان اشرف ممکنات است و جامع جمیع کمالات و جمیع کائنات و موجودات جلوه گاه تجلی الهی است اما حقیقت انسانیّه حقیقت جامعه است حقیقت کلیه است جلوه گاه تجلی جمیع کمالات الهیه است ... لهذا ربوبیت الهیه که مستجمع جمیع کمالات است تجلی در حقیقت انسانی کرده ... اگر انسان نباشد عالم وجود نتیجه ندارد چه که مقصد از وجود ظهور کمالات الهیه است لهذا نمیشود که بگوئیم که وقتی بوده که انسان نبوده منتهی این است که این کره ارضیه نبوده ولی این مظهریت کامله از اول لا آخر الی آخر لا آخر بوده."

و قوله الکریم: "اگر تصوّر زمانی کنیم که انسان در عالم حیوانی بوده یعنی حیوان محض بوده وجود ناقص بوده معنیش این است که انسانی نبوده و این عضو اعظم که در هیکل عالم بمنزله مغز و دماغ است مفقود بوده است پس عالم ناقص محض بوده است ... مکملیت وجود مختل بود اگر عضو اعظم در این هیکل نباشد البتّه هیکل ناقص است زیرا در بین کائنات انسان جامع کمالات وجود است ... تصوّر نمائید وقتی آفتاب موجود نبوده است بلکه آفتاب نیز ستاره بوده البتّه آنزمان روابط وجود مختل بوده ... چون مکملیت این کلّ منبعث از اجزاء عناصر مرکبه و مقادیر آن عناصر و نحویت امتزاج و تفاعل و مفاعیل کائنات مختلفه حاصل گشته لهذا ده هزار سال و یا صد هزار سال پیش چون انسان از این عناصر خاکی و بهمین نحویت ترکیب و امتزاج و بهمین مفاعیل سائر کائنات بوده پس بعینه آن بشر همین بشر بوده است و این امر بدیهی است قابل تردّد نیست یعنی هزار میلیون سال بعد از این اگر این عناصر انسان جمع شود و به همین مقادیر تخصیص و ترکیب شود و بهمین نحویت امتزاج عناصر حاصل گردد و بهمین مفاعیل از سائر کائنات متأثر شود بعینه همین بشر موجود گردد."